اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**بحثی که بود در بحث اجازه بود من چون یک مقداری می‌خواستیم یک مقداری توسعه داده بشود چون اینها آمدند گفتند بحث کشف علی خلاف القاعده است و ما دیروز یک وجهی را بیان کردیم برای اینکه باز دو مرتبه روشن بشود به چه مطلب دیدیم مرحوم نائینی یک مقداری در همین بحث باز وارد شدند غیر از آن مقداری که مرحوم شیخ قائل شده است .**

**در این صفحه‌ی 52 از جلد 2 ایشان دارد نسب الی المشهور اجازه کاشفة عن تمامیة السبب ایشان اینجور نوشته و هو العقد و اختلفوا فی جهة الکشف یکی : ما عن المحقق الرشتی من ان الاجازة کاشفة عن الرضا التقدیری ، چون معلوم می‌شود بعد که معلوم شد اجازه داد مالک پس یک رضایی بوده لکن رضای تقدیری بوده و این رضای تقدیری کافی است در اینکه عقد صحیح باشد بعد ایشان نوشته مرحوم نائینی وفیه منع الصغری والکبری دیگر آقایان مراجعه کنند نمی‌خواهم بخوانم .**

**یعنی اینها در حقیقت وقعی در روایت آمد در کشف از آن طرف هم کشف را واقعا نتوانستند درست بکنند از این حرف‌ها وارد شدند رضای تقدیری ، این یک تقدیر مثلا معلوم می‌شود در واقع تقدیرا لذا نائینی ممکن است بگوید کجا رضای تقدیری ممکن است در حینی که فضولی فروخته ایشان راضی نبوده بعد از دو روز راضی شده است رضای تقدیری هم ندارد مضافا که رضای تقدیری هم دلیل ندارد .**

**ومنها البته این مطلب که من می‌خواهم یک نکته‌ای بگویم اینها بر اثر گذشت زمان مخصوصا بعد از ایام شیخ و اینها چون بحث‌هایی پیش آمد مرحوم محقق رشتی و دیگران خیلی بحث‌ها توسعه پیدا کرد این توسعه پیدا کردنش خیلی وقت می‌گیرد . ما اگر درباره همین کشف و اقسام کشف و کشف حکمی و چه کسی چه گفت و اینها بخواهیم صحبت بکنیم یک سال بیشتر طول می‌کشد .**

**می‌گویند مرحوم ، آخر این بدایع الاصول دارد مرحوم محقق رشتی اسمش هم یادم رفت فعلا میرزا حبیب الله رشتی همه‌ی اصول نیست قسمت‌هایی از اصول است معروف است که ایشان در بحث مقدمه‌ی واجب در السن شنیدم حالا در کتابش ندیدم چاپ شده باشد ، شش ماه بحث کرد که مقدِمه باشد یا مقدَمه به فتح دال یا به کسر دال می‌گویند یک حسابی کردند نجفی‌ها این طور می‌گفتند که اگر ایشان با همین ترتیب بدایع یک دوره اصول می‌خواستند بگویند 120 سال طول می‌کشید خوب بله اگر بنا باشد که آدم در کلمه‌ی فتح آن دال و کسر دال شش ماه طول بکشد شاید 200 – 300 سال طول بکشد 120 سال هم بیشتر طول بکشد .**

**این جور صحبت کردن بعد هم خوب طبعا بعد نائینی آمده و بعد از نائینی هم دیگران آمدند و اگر ما بخواهیم من می‌خواستم این را بگویم ، لذا ما معتقدیم که باید آن نکات فنی من می‌خواهم یک چند تا را بخوانم که ببینیم وقتی طول کشید این چه گفت آقا بعد باز آن مناقشه‌ای که آن آقا کرد باز آقای دیگری می‌آید می‌گوید این مناقشه‌ای که این کرده ما اگر در همین کاشفیت و انواع کشف و کشف حقیقی و کشف حکمی و ثمرات بخواهیم بحث کنیم واقعا می‌گویم قطعا بیش از یک سال طول می‌کشد یعنی قطعا بیش از یک سال .**

**خوب این بحث جواب نمی‌دهد این نحوه‌ی بحث حالا ممکن بود چون در نجف مثلا بودند اینها در حوزه‌های علمیه‌ی ما در یک وضع خاصی بودند و این مثلا برای استعدادها و ذهن‌ها و اینها شاید مثلا ، الان یک مشکل کلی که ما داریم بحث‌هایی را که در مکاسب می‌کنیم الان بیشتر جنبه‌های عملی خارجی هم مطرح است . ما بخواهیم دو سال درباره‌ی اجازه بحث کنیم چه وقت برویم پیاده‌اش بکنیم در جامعه دقت می‌کنید الان در زمان ما نه به خاطر مثلا در ایران اصلا در دنیای عرب کلا بحث‌هایی که می‌کنند این قسمت که بیاییم فقه را در جامعه پیاده بکنیم مثلا فرض کنید در همین کشور لیبی کتاب زکات ، زکات التجارة والاموال اصلا کتاب نوشتند در کیفیت زکات و گرفتن زکات و مال زکات یعنی با اینکه خوب حالا یک کشور خاصی بود اینها سعی‌شان بر این بود که بیایند فقه را در جامعه پیاده بکنند .**

**یک عده از این کشورهایی که عنوان جمهوری اسلامی دارند چند تا کشور اینها یکی از حرف‌های اساسی‌شان این است که بیایند ، خوب پیاده کردن فقه با این ترتیب بخواهید در کشف یک سال صحبت کنید این به هیچ کجا نمی‌رسد واقعا نمی‌رسد هم بحث علمی و فنی و آن نکات فنی را باید بیان کرد که خود به خود این رضای تقدیری از بین برود اصلا نکته‌ی فنی باید بیان کرد اصلا نکته‌ی فنی این است که رضا نهایت دلالت بر اباحه‌ی تصرف بکند به عقد ربطی ندارد ما دیروز بیان کردیم دیگر اصلا با بیان حالا اشکال مرحوم نائینی که دارد و فیه منعٌ صغرا و کبرا نمی‌خواهد ، نه منع صغری می‌خواهد و نه منع کبری می‌خواهد دقت کردید ؟**

**رضا چاره‌ای نمی‌کند کاری درست نمی‌کند حالا شما رضای تقدیری درست کنید ، رضای فعلی درست کنید چه چاره‌ای درست می‌کند؟ ما اصلا لذا بحث را یک جوری مطرح کردیم که ریشه‌ی این بحث‌ها برداشته بشود اصلا جای این بحث‌ها ، این یکی .**

**ومنها ما عن الفصول واخیه المحقق مراد از برادر ایشان صاحب هدایة المستشهدین است که شرح معالم است خیلی مفصل در نجف معروف بود که به ، چون فصول مختصر است هدایه خیلی شرح‌های طولانی دارد هدایة المستهشدین که شنیدم تازگی چاپش هم کردند
6-5 جلد چاپ کردند هدایة المستشهدین شنیدم چاپ کردند . گفتند به ایشان نظرتان راجع به کتاب فصول چیست گفتند یک نقطه کم دارد فضول است ، فصول نیست یک نقطه بگذارید ، یک نقطه کم دارد .**

**علی ای به هر حال خیلی ایشان در ، آن وقت این دو بزرگوار وصف التعقب را گرفتند نه خود اجازه این وصف برای عقد پیدا می‌شود التعقب بالاجازة یعنی عقدی که متعقب به اجازه است آن سبب تام است خوب روشن شد ما حالا این اصلا ، خوب این خلاف ظاهر است بعد ایشان گفته وفیه ومنها ما عن المحقق والشهید الثانیین من ان العقد سبب تام فی الملک لعموم قوله تعالی اوفوا بالعقود و تمامیته فی الفضولی یعلم بالاجازة**

**این یعلم بالاجازة کشف را به معنای علم گرفتند گفتیم کشف به معنای علم مشکل ندارد که اصلا این بحث‌ها را چرا می‌کنند و بعد ایشان دارد که وفیه باز دو مرتبه اصلا این بحثی ندارد . شما الان یک حادثه‌ای اتفاق می‌افتد می‌گویید عجب معلوم شد یک کاری که شش ماه قبل بوده نکته‌اش این بوده است ، کاری که یک سال قبل فلان آقا انجام داده نکته‌اش را الان می‌فهمیم این می‌شود ، علم پیدا کرد . آن که در اجازه مشکل است مؤثر باشد من حین الاجازة مؤثر باشد نه علم ، علم مشکل ندارد که لذا ایشان می‌گوید یعلم بالاجازة دیگر نمی‌خواهد مرحوم نائینی اشکال بکند و فیه**

**بعد می‌گوید ویمکن توجیه الکلام بعدش و بالجملة ، و منها ما استدل به الثانیان وهو ان الاجازة متعلقة بالعقد فهی رضا بمضمونه باز رفتند به رضای به مضمون و لیس الا نقل العوضین من حینه یعنی من حین یعنی الاجازة انفاذ للعقد السابق والعقد السابق تم حین صدوره من العاقد ، آن وقت اشکال مرحوم شیخ که در عقد سابق زمان نبوده در عقد زمان نیست وقتی آمد گفت فروختم این دیگر درش زمان اخذ نشده ایشان هم همین اشکال را می‌کند که در عقد سابق زمان اخذ نشده است . اصلا معلوم شد این بحث‌ها جایگاه درستی ندارد زمان نمی‌خواهد اخذ بشود یا نشود و ثانیا و ثالثا و الی آخره .**

**بعد ایشان و منها ما استدل به ثانیان وثانیاً ، بعد وارد بحث قبض و فرق بین اجازه و قبض ایشان می‌شود و بعد هم متعرض فرق آن می‌شود و منها ما عن فخرالدین فی الایضاح من انها لو لم تکن کاشفة لزم تاثیر المعدوم فی الموجود لان العقد حالها معدوم خوب بعد جواب داده والحاصل فالحق فی الجواب ما تقدم ان المنشاء بنظر المنشئ لا یتخلف عنه و انما المتخلف هو الانشاء فی عالم الاعتبار العقلائی او الشرعی وهو اذا کان متوقفا علی رضا المالک لا یتحقق بمجرد انشاء الفضولی عرض کردیم و منها انه یمکن تحقق الملک بعد جواب می‌دهد این جواب را هم خود ایشان می‌دهد .**

**این جواب‌ها عرض کردم نمی‌تواند کاری را انجام بدهد یمکن تحقق العقد حین الملک مع کونه مشروطا بالشرط المتاخر ، چرا چون در شروط شرعی مثل شروط عقلی نیستند دیگر ایشان وارد این بحث شیخ هم کردند بعد ایشان وارد بحث می‌شود که آیا شروط عقلی و شروط شرعی با هم دیگر فرق می‌کنند یا نه ، بعد وارد غسل استحاضه که مرحوم شیخ هم دارد .**

**بعد ایشان انحاء کشف را هم که مرحوم شیخ نقل کردند ایشان هم نقل کرده برای اینکه دیگر وارد آن بحث ایشان ، معلوم شد که آقا این وجوهی را که مرحوم آقای نائینی فرمودند و مناقشه کردند این وجوه کلا یعنی تطویل کلامی است که خیلی نمی‌تواند و انصافش این است که ما مثلا بعد از این تفاصیلی که مثل مرحوم صاحب بدایع داشت شاگرد ایشان مثلا صاحب کفایه کل اصول را در دو جلد مختصر جمع کرد یعنی ما یک مرحله‌ای آمد که گفتند بیاییم جمعش بکنیم بعد از اینکه خیلی پخشش کردند ، بیاییم جمعش بکنیم و حق در مقام هم همینطور است ما هم به جای اینکه این را توسعه بدهیم و غالبا دیگر نخواندم کلمات را این را به اصطلاح جمع و جورش بکنیم عرض کردم بهترین راه به نظر ما این است که اجازه به خود عقد می‌خورد به رضا نیست ، عقد یک امری است یعنی بعبارة اخری ربط دادن بین دو چیز است کار اجازه این است .**

**پس اجازه می‌تواند موثر باشد برای اینکه این عقد را این گرهی که خورده سفتش بکند که من فردا توضیحات بیشتری می‌دهم نه اینکه گره‌ی جدیدی ایجاد بکند و نه اینکه فقط رضا باشد به آن گره ، آن گره را سفتش می‌کند و این اشکال چه مشکل خاصی دارد از حین اجازه این . بله می‌ماند مساله‌ی نماء و بعضی از آثار آن بحث دیگری است آن را باید از راه خودش حلش بکنیم و الا الان به نظر ما اجازه**

**و الا به ذهن ما اجازه کاشفیت اجازه کاملا علاوه**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**